

روش‌شناسی آرای حدیثی علامه عسکری در پرتو سنجش

با تأکید بر معالم المدرستین

علی راد*

مهدی مردانی**

چکیده

علامه عسکری رحمته الله از جمله حدیث پژوهان شیعی معاصر، دارای دیدگاه‌ها و آرای خاص در تحلیل و ارزیابی میراث حدیثی فریقین بود. کتاب *معالم المدرستین*، نمونه مناسبی برای انعکاس آرا و دیدگاه‌های حدیثی ایشان است. وی در این کتاب با رویکردی تحلیلی - انتقادی روایات فراوانی از منابع فریقین را مورد ارزیابی قرار داده و دیدگاه‌های نوینی در باره آنها ارائه کرده است. این مقاله می‌کوشد تا با تکیه بر کتاب یاد شده، مبانی و روش‌های حدیث پژوهی علامه عسکری را کشف و به تحلیل و بررسی اندیشه‌های حدیثی وی بپردازد.

کلید واژه‌ها: علامه عسکری، *معالم المدرستین*، مبانی حدیثی، روش‌های نقد.

درآمد

مرحوم سید مرتضی عسکری (۱۲۹۳-۱۳۸۶ ش) یکی از شخصیت‌های حدیث پژوه معاصر است که در مطالعات حدیث شناختی آثار ارزشمندی را به یادگار گذاشته است.^۱ یکی از این آثار کتاب *معالم المدرستین* است که در آن، اندیشه‌های مکتب اهل بیت علیهم السلام با مکتب خلفا مقایسه شده و مصادر مهم شریعت در هر دو مکتب مورد

* استادیار دانشگاه تهران (پردیس قم). ali.rad@ut.ac.ir

** دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه قرآن و حدیث.

۱. عبد الله بن سبا، یکصد و پنجاه صحابی ساختگی، نقش عایشه در تاریخ اسلام و القرآن الکریم و روایات المدرستین از جمله آثاری است که انعکاس دهنده آرا و نظریات علامه عسکری در عرصه حدیث پژوهی است.

ارزیابی قرار گرفته است. این کتاب - که در پژوهش های حدیثی معاصر از نگاشته های مهم شیعی به حساب می آید - نمونه شایسته ای برای نقد و ارزیابی آرای علامه عسکری در حوزه دانش های حدیثی است و پژوهش حاضر کوشیده است با رویکردی روش شناختی به این مهم بپردازد.

شایان ذکر است که این مقاله از منظر یاد شده فاقد پیشینه ای مشابه در موضوع خود است و تنها کتاب منتشر شده در این باره نیز به لحاظ رویکرد و محتوا با نوشتار حاضر متفاوت است؛^۲ زیرا اولاً شیوه مؤلف، توصیفی - گزارشی بوده و تنها به موضوع نقد حدیث پرداخته است و ثانیاً به کتاب *معالم المدرستین* توجه شایانی نکرده و فاقد رویکرد روش شناختی است. گفتنی است مباحث این پژوهش در دو بخش سامان یافته است؛ در بخش اول، مبانی و آرای حدیثی علامه عسکری در محورهایی چون: تاریخ حدیث، نقد و وضع حدیث، دانش رجال و آسیب شناسی جوامع حدیثی مورد بررسی قرار گرفته است و در بخش دوم، با رویکردی اکتشافی - تحلیلی، حدیث پژوهی علامه عسکری روش شناسی شده است.

الف) مبانی و آرای حدیثی^۳ علامه عسکری

یکی از مسائل مهم و شایان توجه در مطالعات حدیثی، آشنایی با مبانی و آرای حدیث پژوهان معاصر است. موضوعی که به دلیل تأثیر آن در یافته های نوین حدیثی توجه بسیاری از پژوهشگران را به خود جلب کرده و تحقیقات فراوانی در باره آن سامان یافته است.^۴ در این میان، علامه عسکری به دلیل مبنا گرایی و روشمندی مطالعات حدیثی اش جایگاه برجسته ای دارد و این نکته ای است که با مطالعه آثار گونه گونه وی به دست خواهد آمد؛ بویژه در کتاب *معالم المدرستین* که موضوع آن بررسی مبانی دو مکتب اهل بیت علیهم السلام و خلفا در مسائل مهم شریعت و مقایسه آنها با یکدیگر است و طبیعتاً لازمه چنین رویکردی تکیه بر مبانی مشخص و استوار علمی است.

۲. ر.ک: علامه عسکری پژوهشگر حدیث.

۳. مقصود از «مبنا»، اصول و پایه های فکری است که علامه عسکری مطالعات حدیثی خود را بر آن بنا نهاده و بر اساس آنها به نقد و تحلیل احادیث پرداخته است و منظور از «رای»، دیدگاه و نظریات خاص ایشان در حوزه دانش های حدیثی است که ریشه در اصول و مبانی علمی ایشان دارد.

۴. چنان که علامه شوشتری، علامه بلاغی، علامه موسوی سبزواری، علامه شعرانی و علامه طباطبایی از جمله اندیشمندانی هستند که آرای حدیثی شان مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است.

تاریخ حدیث

تاریخ هر حادثه و پدیده، از چگونگی وقوع آن پدیده خبر می‌دهد و به شناسنامه‌ای می‌ماند که آیندگان را از هویت و چند و چون آن با خبر می‌سازد. حدیث و روایت نیز حقیقتی زمان‌دار و تاریخ‌بردار است که باید در تاریخش مطالعه کرد و با تاریخش شناخت، چرا که هر حدیث از پس نیازی و در پاسخ پرسشی و در مقام تبیین حادثه‌ای صادر شده است که دانستنش لازم و ضروری است.^۵ از این رو، یکی از موضوعاتی که علامه عسکری در مطالعات حدیثی خود بدان اهتمام می‌ورزید، «تاریخ حدیث» است که در آن سیر تولد، رشد و تحول‌های پدید آمده بر حدیث مورد مطالعه قرار می‌گیرد.^۶ در این میان، مسأله «حجیت سنت» و «کتابت حدیث» بیش از مباحث دیگر در کتاب *معالم المدرستین* مورد بررسی قرار گرفته است؛ زیرا علامه عسکری در بررسی دیدگاه مکتب خلفا و اهل بیت علیهم‌السلام، به دنبال طرح موضوعاتی بود که در تاریخ اسلام و شریعت نبوی نقش قابل توجهی داشته، تحلیل و ارزیابی آنها در اصلاح تفکر اندیشمندان اسلامی تأثیر گذار است.

حجیت سنت نبوی

سنت - که عبارت است از گفتار و رفتار و تقریر معصوم - یکی از دو مصدر تشریعی اسلام است که در باور اغلب مسلمانان، همانند قرآن، حجت و معتبر است.^۷ علامه عسکری حجیت سنت را پذیرفته و تنها راه دستیابی به آن را احادیثی دانسته است که از پیامبر و اهل بیتش بر جای مانده است. ایشان برای اثبات این مطلب، آیات و روایات متعددی را گواه می‌آورد.^۸ علامه در ادله اثباتی حجیت سنت نبوی، با رویکرد دینی به بحث پرداخته و تنها از ادله نقلی بهره جسته است. قرآن، نخستین منبع استنادی علامه عسکری در حجیت سنت نبوی است و آیات منتخب وی ظهور در رضایت الهی از رفتار و گفتار پیامبر دارد و تبعیت مؤمنان از پیامبر را ستوده است.^۹ دلیل دوم ایشان روایات نبوی است

۵. رک: «نقش اطلاعات تاریخی در شناخت حدیث»، ص ۱۲۰؛ «تاریخ صدور حدیث»، ص ۲.

۶. *تاریخ حدیث شیعہ (عصر حضور)*، ص ۴.

۷. در مقابل قول مشهور، فرقه‌ای از مسلمین با نام «قرآنیون» حجیت و اعتبار سنت را نپذیرفته‌اند. رک: «الاسلام هو القرآن وحده» و نیز: *دراسات فی الفرق القرآنیه و شبهاتهم حول السنه*.

۸. رک: *معالم المدرستین*، ج ۲، ص ۱۷ و ۱۸.

۹. همان، ص ۱۷.

که نمونه‌های استنادی ایشان بر تشویق و ترغیب پیامبر به پیروی از سنت دلالت دارد.^{۱۰} لکن باید افزود که روایات نبوی به تنهایی نمی‌تواند دلیل بر حجیت سنت باشد؛ زیرا مستلزم دور و توقف حجیت سنت بر سنت خواهد شد؛ علاوه بر آن که در کنار ادله نقلی، ادله عقلی - که از فلسفه رسالت و نبوت بهره می‌گیرد - نیز وجود دارد که می‌توان برای اثبات حجیت سنت بدان استناد نمود.^{۱۱}

کتابت حدیث

چگونگی تدوین و نگارش حدیث، از جمله موضوعات مهمی است که با همه پُر برگ و باری نگاشته‌هایش، زوایای مبهم و نکات ناگفته بسیار دارد. در این میان، علامه عسکری با تأکید بر مصادر مهم اهل سنت و تحلیل روایات آنان، به یکی از مهم‌ترین مسائل آن، یعنی مخالفت با نگارش حدیث، پرداخته و آن را در مکتب خلفا مورد نقد و بررسی قرار داده است.

آغاز مخالفت با نگارش حدیث

علامه عسکری هم سخن با محدثان عامه بر این باور بود که سنت پیامبر ﷺ تا پایان قرن اول هجری تدوین نگردید،^{۱۲} اما پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام فعالیت‌های زیادی را در انتشار احادیث نبوی انجام داده بودند.^{۱۳} به عقیده ایشان، با آن که زمزمه‌های مخالفت با نگارش حدیث در آخرین ساعات حیات پیامبر شکل گرفت، اما آغاز این مخالفت به مدت‌ها پیش از وفات پیامبر باز می‌گشت.^{۱۴} این در حالی است که به اعتقاد بعضی از محققان، دوران خلافت ابوبکر آغاز منع تدوین حدیث بوده است.^{۱۵} البته باید افزود که سیاست منع تدوین سنت در حیات پیامبر ﷺ نیز به صورت غیر مستقیم دنبال می‌گردید و شماری از مخالفان نگارش حدیث آشکارا مخالفت خود را با کتابت احادیث نبوی ابراز می‌داشتند.^{۱۶} از این رو، به نظر می‌رسد که شکل‌گیری و آغاز این جریان را باید در دوران

۱۰. همان، ص ۱۸.

۱۱. رک: رابطه متقابل کتاب و سنت، ص ۱۳۰.

۱۲. رک: تدوین الروای، ص ۴۱.

۱۳. رک: همان، ج ۲ ص ۴۳.

۱۴. همان.

۱۵. رک: تدوین السنه الشریفه، ص ۲۶۳.

۱۶. رک: السنن (دارمی)، ج ۱، ص ۲۵؛ المستدرک علی الصحیحین، ج ۱، ص ۱۰۴.

حیات پیامبر ﷺ جست و جو کرد. علامه عسکری، بر خلاف برخی از نواندیشان اهل سنت - که نهی خلفا از کتابت حدیث را مقطعی و محدود به حوزه «کتابت» حدیث شمرده‌اند -^{۱۷} این مخالفت را عام و ناظر به نقل و «روایت» حدیث نیز می‌دانست.^{۱۸}

نقش خلفا در نشر اسرائیلیات

از نگاه علامه عسکری، سیاست خلفا در منع کتابت حدیث، دقیقاً همراه و همگام با سیاست نشر اسرائیلیات بود و آنان به همان شدتی که از نشر احادیث پیامبر ﷺ جلوگیری می‌کردند، به افرادی چون «تمیم داری» و «کعب احبار» میدان دادند که هر چه می‌خواهند بگویند:

عمر در هر هفته يك ساعت سخنرانی پیش از نماز جمعه را در مسجد پیغمبر ﷺ به تمیم داری اختصاص داد که عثمان در دوران خلافتش این مدت را به دو ساعت و در دو روز هفته افزایش داد! و کعب احبار نیز مرجع علمی خلفایی چون عمر، عثمان و معاویه بود که از او درباره مبدأ آفرینش و رویدادهای قیامت و حتی تفسیر قرآن سؤال می‌کردند.^{۱۹}

شاید به دلیل همین رابطه نزدیک خلیفه دوم با یهودی زادگان مدینه بود^{۲۰} که بعضی از محققان، سیاست توقیف تدوین حدیث را نظریه‌ای یهودی دانسته‌اند که مکتب خلفا آن را فرا گرفته و در جامعه اسلامی رواج داد.^{۲۱}

خاستگاه احادیث منع کتابت

مخالفان نگارش حدیث برای آن که به باور خود مشروعیت بخشند، به روایاتی استناد نمودند که نشانگر مخالفت پیامبر ﷺ با کتابت حدیث است.^{۲۲} این در حالی است که نصوص فراوانی وجود دارد که نشان می‌دهد رسول خدا ﷺ به ثبت و ضبط گفتار خود اهتمام می‌ورزید.^{۲۳} اما نکته قابل تأمل، آن که هیچ یک از این روایات، به طلایه داران

۱۷. رک: السنة النبویه فی کتابات اعداء الاسلام مناقشتها والرد علیها.

۱۸. رک: معالم المدرستین، ج ۲، ص ۴۶ - ۴۹.

۱۹. همان، ص ۵۱ و ۵۲.

۲۰. چنان‌که علاقه شدید عمر به کتب یهود و نیز رابطه نزدیک وی با کعب الاحبار و همچنین ادبیات یهودی استدلال وی در برابر معترضان، گواه مناسبی بر این امر به شمار می‌رود. رک: تدوین السنة الشریفه، ص ۳۴۰ - ۳۴۵.

۲۱. رک: الصحيح من سیره النبی الاعظم، ج ۱، ص ۲۷؛ مقدمه‌ای بر تاریخ تدوین حدیث، ص ۴۴ - ۴۶.

۲۲. رک: تدوین السنة الشریفه، ص ۲۸۸ - ۳۰۲.

۲۳. همان، ص ۸۵ - ۱۱۱ و نیز رک: «تدوین حدیث (۲)»، ص ۱۳ - ۳۳.

مخالفت با کتابت، یعنی خلفای پس از پیامبر ﷺ، نسبت داده نشده است؛ یعنی نه ابوبکر - که برای اولین بار احادیث نگاشته از رسول خدا ﷺ را به آتش کشید - و نه عمر بن خطاب - که دامنه این منع را گستراند - هرگز به نهی پیامبر ﷺ استناد نکردند و شکی نیست که اگر برای منع تدوین حدیث مستندی شرعی، همچون سنت نبوی، وجود داشت، بی تردید بدان تمسک می جستند. دکتر امتیاز احمد در این باره می نویسد:

معارضان با کتابت حدیث، انگیزه های شخصی داشتند، و گرنه چرا آنان و حتی عمر - که بیشتر از هر کس در این زمینه کوشید - به هیچ حدیث و منع شرعی صادر شده از پیامبر ﷺ استناد نکردند؟ این، نشانگر آن است که نص روشنی در این باره نبوده است.^{۲۴}

بدین جهت، علامه عسکری هم کلام با دیگر محققان بر این باور است که احادیث دال بر منع کتابت، جعلی بوده و در دوره های پسین به پیامبر ﷺ نسبت داده شده است.^{۲۵} اما برخلاف دیگران - که در باره زمان جعل این احادیث سخنی نگفته اند - علامه عسکری خاستگاه این دسته از روایات را دوران معاویه و حاصل سیاست شوم وی در جعل حدیث دانسته است.^{۲۶}

انگیزه مخالفان نگارش حدیث

علامه عسکری با تکیه بر مستندات روایی و تاریخی اهل سنت، هدف و انگیزه اصلی مکتب خلفا در جلوگیری از کتابت حدیث را پیشگیری از نشر فضایل و مناقب امیرالمومنین علیه السلام دانسته و گفته است:

ممانعت از نگارش حدیث، تنها به خاطر جلوگیری از نشر فضایل و مناقب امیرالمومنین علیه السلام در میان مسلمانان بود، بویژه در دوره حکومت معاویه که مردم را بر آن داشت تا علی علیه السلام را در بر سر منابر و خطبه های جمعه لعن گویند.^{۲۷}

گفتنی است دیگر پژوهشگران شیعی نیز این باور را پذیرفته و بدان اذعان داشته اند؛^{۲۸} لکن گرچه این مسأله یکی از عوامل بنیادین مخالفت با تدوین حدیث به شمار می رود،

۲۴. دلائل التوثیق المبکر للسنه و الحدیث، ص ۲۳۹.

۲۵. رک: معالم المدرستین، ج ۲، ص ۶۰؛ تدوین السنه الشریفه، ص ۲۸۸؛ «تدوین حدیث (۲)»، ص ۳۵.

۲۶. رک: معالم المدرستین، ج ۲، ص ۶۰.

۲۷. همان، ص ۶۴.

۲۸. رک: دراسات فی الحدیث و المحدثین، ص ۲۲؛ تدوین السنه الشریفه، ص ۴۱۵؛ «تدوین حدیث (۷)»، ص ۹.

اما آن گونه که علامه اظهار داشته است، تنهاترین آنها نبوده است؛ همان طور که بعضی از محققان، ضمن آن که ممانعت از نشر فضایل و بیان جایگاه اهل بیت علیهم‌السلام را به عنوان بخشی از علل منع تدوین حدیث پذیرفته است، از این که آن را تنها عامل منع تدوین و یا مهم‌ترین آن بدانند ابا داشته است.^{۲۹}

نقد و وضع حدیث

نقد الحدیث

عمده‌ترین موضوعی که علامه عسکری در مطالعات حدیثی‌اش دنبال می‌کرد، نقد و ارزیابی احادیث بود و این نکته‌ای است که می‌توان با مطالعه آثار ایشان به خوبی دریافت. علامه در *معالم المدرستین* بیشتر احادیث مکتب خلفا را مورد نقادی قرار می‌داد، هر چند از بررسی احادیث مکتب اهل بیت نیز غفلت نمی‌ورزید. او بر نقد محتوایی احادیث بیش از نقد سندی اهتمام می‌ورزید و از رهگذر مقایسه و تطبیق متون روایی با یکدیگر، احادیث ضعیف را شناسایی می‌کرد.

مبانی علامه عسکری در نقد حدیث

در کتاب *معالم المدرستین* مبانی و معیارهای متنوعی اعم از درون متنی و بیرون متنی، برای نقد روایات ضعیف به کار بسته شده است، لکن ملاک‌های درون متنی به شکل گسترده‌تری به کار گرفته شده است؛ چنان که بررسی روش شناختی معالم المدرستین، مبانی علامه در نقد حدیث را آشکار می‌سازد:

مخالفت با قرآن

عرضه حدیث بر قرآن یکی از مهم‌ترین معیارهای نقد روایات است که در کلام اهل بیت علیهم‌السلام نیز بر آن تأکید شده است.^{۳۰} بنا بر این، چنان چه روایتی، حتی با سند صحیح، با قرآن مخالفت داشته باشد، باید آن را کنار گذاشته، از نسبت آن به معصوم خودداری کرد؛ معیاری که علامه عسکری نیز در پاره‌ای از موارد به آن استناد جسته است. به عنوان نمونه، ایشان در بررسی حدیث ابن عباس که حلیت ازدواج موقت را مربوط به پیش از نزول آیه *«الا علی ازواجهم او ما ملکت ایمانهم»*^{۳۱} دانسته و پس از آن را منحصر در زنان دائم و

۲۹. رک: منع تدوین الحدیث، ص ۶۸.

۳۰. رک: المحاسن، ج ۱ ص ۲۲۱.

۳۱. سوره مؤمنون، آیه ۶.

کنیزکان شمرده است،^{۳۲} به تنافی مفاد این حدیث با قرآن اشاره کرده و می‌نویسد:

اما این که در متن حدیث می‌گوید: متعه مربوط به صدر اسلام بوده تا این که آیه «الا علی ازواجهم...» نازل شد، به راستی ندانستیم اگر این عباس چنین گفته است، پس چرا پس از گذشت نیم قرن از نزول آیه، در باره حلیت ازدواج موقت با این زیبر به مخاصمه برخاست؟ از طرفی، مگر ازدواج موقت از مصادیق ازدواج نیست؟^{۳۳}

مخالفت با عقل

شماری از انتقادات علامه عسکری بر روایات، مبتنی بر ادله عقلی است و ایشان در نقد برخی از احادیث مکتب خلفا به این دلیل استناد کرده است؛ چرا که عقل سلیم حجت باطنی و معیار تشخیص حق و باطل است؛ در مثل، ایشان در نقد آن دسته از احادیثی که مخالفت با کتابت حدیث را به پیامبر نسبت داده است،^{۳۴} به اشکال عقلانی آن اشاره کرده و گفته است:

اگر این قبیل احادیث درست باشند، پس مسلمانان وظیفه‌ای ندارند، مگر این که تمامی مصادر اسلامی، بخصوص آنهایی که در برگیرنده احادیث رسول خدا ﷺ و یا حتی اندکی از آنهاست را يك جا جمع نموده، به آتش کشند و یا به دریا بریزند! و در این صورت، نمی‌دانم که از شرایع و مقررات اسلام چه باقی خواهد ماند؟^{۳۵}

ناسازگاری با تاریخ

یکی از معیارهای صحت حدیث آن است که با حقایق تاریخی، اعم از تاریخ اسلام و تاریخ امم پیشین همخوانی داشته باشد؛ چنان که شماری از انتقادات علامه عسکری نیز ذیل همین عنوان می‌گنجد؛ نمونه این معیار، حدیثی است که مکتب خلفا در باب حرمت ساخت بنا بر آرامگاه انبیا، به رسول خدا ﷺ نسبت داده‌اند.^{۳۶} علامه عسکری در نقد این احادیث، با استناد به شواهد تاریخی، اصل این ادعا را زیر سؤال برده و می‌نویسد:

پس از این که بنی اسرائیل از مصر بیرون آمدند و به فلسطین رسیدند، محل عبادت ایشان بیت المقدس در نظر گرفته شد و غیر از آن، جایی برای عبادت نداشتند. در

۳۲. السنن (ترمذی)، ج ۲، ص ۲۹۵؛ السنن الکبری، ج ۷، ص ۲۰۵.

۳۳. معالم المدرستین، ج ۲، ص ۲۷۱.

۳۴. مانند آن که از قول زید بن ثابت نقل کرده‌اند که گفت: «رسول خدا ﷺ ما را از نوشتن حدیثش نهی کرد و نوشته‌های ما را از بین برد» (المسند (ابن حنبل)، ج ۳، ص ۱۲).

۳۵. معالم المدرستین، ج ۲، ص ۲۷۱.

۳۶. «اللهم لاتجعل قبری وثناً لعن الله قوماً اتخذوا قبوراً أنبيائهم مساجد» (رک: المسند (ابن حنبل)، ج ۲، ص ۲۴۶).

زمان سلیمان پیغمبر، کاخی برای آن حضرت ساخته شد که به آن هیکل سلیمان می‌گفتند. با این حال، قبور انبیای ایشان کجا قرار داشت که بر آنها نماز بگزارند؟ در حالی که بیت المقدس و شهر آن همواره مورد بازدید مردم و عرب پیش از اسلام بوده است. اما قبور دیگر انبیای ایشان مانند قبر ابراهیم خلیل و موسی بن عمران را ما ندیده و نخوانده و نشنیده‌ایم که قوم یهود آنها را بت قرار داده باشند و به فرض این که گوری را بت قرار داده باشند، این مورد هیچ ربطی به احترام و زیارت قبر ندارد. بت قراردادن گورها به این معناست که آن را چون کعبه هنگام نماز، قبله خود قرار دهند، این کجا و آن کجا؟^{۳۷}

توجه به فضای صدور حدیث

از جمله قواعدی که علامه عسکری در نقد درونی احادیث از آن بهره می‌جست، توجه به زمان و مکان صدور حدیث است؛ به عنوان مثال، ایشان در نقد حدیثی که در باب «اختلاف مسلمین در ساختن بنا بر آرامگاه پیامبران» نقل شده است، ابتدا با استناد به فضای صدور روایت، دلالت آن را مخدوش ساخته و سپس تفسیر واقعی آن را بیان می‌کند. ایشان در نقد این حدیث می‌نویسد:

پیامبر اسلام به هنگام مهاجرت از مکه به مدینه، پس از گذشت چهل سال به زیارت قبر مادرشان رفتند و بر سر قبر او گریسته و همراهان خود را نیز گریانندند.^{۳۸} پس معلوم می‌گردد که بعد از گذشت چهل سال همچنان نشانه قبر مادرشان آشکار بود و گرنه چگونه می‌توانستند آن را شناسایی کنند؟ حال اگر حکم اسلام همواره ساختن قبور با زمین است، پس چرا پیغمبر اسلام دستور نداد تا مزار مادرش را با زمین هموار کنند و نشانه آن را بردارند؟^{۳۹}

ارزیابی سندی

تأمل در سند حدیث و بررسی احوال راویان، دیرین‌ترین شیوه ارزیابی احادیث است که بسیاری از محدثان از این معیار برای پالایش روایات بهره گرفته‌اند. علامه عسکری نیز در کنار نقدهای درونی، به نقد بیرونی حدیث نیز می‌پرداخت و از طریق بررسی اسناد روایات، صحت و سقم آنها را معلوم می‌ساخت. یکی از این احادیث، روایتی است که سعید بن جبیر درباره حرمت متعه نکاح نقل کرده است.^{۴۰} علامه در انتقاد از این

۳۷. معالم المدرستین، ج ۱، ص ۶۹.

۳۸. رک: السنن (نسائی)، ج ۴، ص ۹۰؛ السنن (ابن ماجه)، ج ۱، ص ۵۱.

۳۹. معالم المدرستین، ج ۱، ص ۶۷.

۴۰. رک: سنن الکبری، ج ۷، ص ۲۰۵.

حدیث می نویسد:

این حدیث را شتابزده به «سعید بن جبیر» نسبت داده اند؛ غافل از این که او خود از کسانی است که در مکه به ازدواج موقت، زن گرفته است؛^{۴۱} علاوه بر آن که در سند این حدیث «حجاج بن اریطه» قرار دارد که مردی نیرنگ باز و مدلس است^{۴۲} و در ترجمه اش آمده است: «اواز یحیی بن کثیر و مکحول حدیث نقل می کرد، در صورتی که خودش مستقیماً از آن دو چیزی نشنیده بود!».^{۴۳}

وضع الحدیث

دروغ پردازی و انتساب روایات ساختگی به پیامبر ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام پدیده ای است که همواره موجب نگرانی پژوهشگران حوزه حدیث بوده، آنان را به تلاش برای تنقیح جوامع روایی واداشته است. در این میان آشنایی با دیدگاه محدثان و حدیث پژوهان درباره وضع شناسی و چند و چون پالایش احادیث، از اهمیت بسیاری برخوردار است. علامه عسکری، یکی از پژوهشگرانی است که به مطالعات وضع شناسی اهتمام داشته است؛ نمونه روشن این مسأله، روایتی است که مکتب خلفا از زبان پیامبر در باره لزوم اقتدا به خلفای راشدین نقل کرده اند.^{۴۴} علامه در نقد این حدیث با استناد به قواعد متن شناختی نشانه های جعل آن را آشکار ساخته و می نویسد:

برای ما یقین حاصل است که این حدیث ساختگی است؛ هر چند در کتاب های صحیح مکتب خلفا آمده است؛ زیرا اولاً، ما در سنت خلفای راشدین مواردی را سراغ داریم که آشکارا با سنت پیغمبر ﷺ مخالفت دارد و رسول خدا ﷺ هرگز به سنتی که با سنتش مخالف باشد، فرمان نمی دهد. ثانیاً، از آنجا که توصیف خلفای چهارگانه به راشدین پس از روی کار آمدن خلفای بنی امیه و بنی عباس بوده است، در می یابیم هر حدیثی که چهار خلیفه نخستین را به راشدین توصیف کرده باشد، پس از سپری شدن دوران خلافت همان چهار خلیفه ساخته شده است. ثالثاً، لازمه دستور پیامبر ﷺ به پیروی از سنت خلفای راشدین، پیروی از قوانین ضد و نقیض است؛ چرا که علی علیه السلام نیز در میان آن چهار نفر بود و دیدیم که او با سنت دو خلیفه یعنی عمر و عثمان در موضوع عمره تمتع آشکارا مخالفت کرد و دیگران را نیز به مخالفت با

۴۱. رک: المصنف، ج ۷، ص ۴۹۶.

۴۲. رک: مجمع الزوائد و منبع الفوائد، ج ۴، ص ۲۶۵.

۴۳. رک: تهذیب التهذیب، ج ۲، ص ۱۷۲.

۴۴. «فعلیکم بسنتی و سنت الخلفاء الراشدين المهديين عضواً علیها بالنواجز» (المستدرک (ابن حنبل)، ج ۴، ص ۱۲۶؛ السنن

(دارمی)، ج ۱، ص ۴۴.

آنان واداشت.^{۴۵}

روش‌شناسی مکتب خلفا در جعل و تحریف

یکی از ابتکارات علامه عسکری در زمینه شناخت احادیث ساختگی و تحریف شده، معرفی روش‌هایی است که مکتب خلفا در تحریف و تغییر سنت پیامبر ﷺ از آنها بهره بردند. این شیوه‌ها - که در کتاب *معالم المدرستین* تحت عنوان «سیاست‌های مکتب خلفا در تحریف و کتمان» مطرح شده است - حاوی نمونه‌هایی است که علامه عسکری آنها را از لایه لای متون تاریخی برون کشیده، مورد نقد و بررسی قرار داده است.

تبدیل بخشی از حدیث به کلمه‌ای مبهم

یکی از انواع پرده پوشی و کتمان مکتب خلفا، حذف قسمتی از حدیث پیغمبر و تبدیل آن به کلمه‌ای گنگ و مبهم است؛ مانند آنچه که طبری وابن کثیر در تفسیر آیه «وانذر عشیرتک الاقربین» در خبر دعوت پیامبر از بنی هاشم انجام دادند. آن دو، بخشی از سخن پیغمبر ﷺ در باره علی علیه السلام را که فرموده بود: «ووصی و خلیفتی فیکم» حذف کرده، به جای آن «کذا و کذا» گذاشتند. از همین نوع کتمان، کاری است که بخاری در *الصحيح* خود انجام داده است؛ او سخن عبدالرحمن به مروان حکم را نقل نکرد و به جای آن نوشت: «فقال عبدالرحمن شیئا».^{۴۶}

حذف حدیث با اشاره به حذف آن

برای این قسم می‌توان از کاری که طبری وابن کثیر در مورد نامه محمد بن ابی بکر به معاویه انجام دادند، یاد کرد. در این نامه از فضایل و مناقب امام علی علیه السلام سخن به میان آمده و معاویه نیز در پاسخ، به همه آنها اعتراف کرده است؛ در حالی که طبری، با اشاره به سند خبر دو نامه، آن را حذف کرده، چنین توجیه نمود که مردم عامه تحمل شنیدن آن را ندارند!^{۴۷} پس از او، ابن کثیر نیز به نامه محمد بن ابی بکر اشاره کرده، اما تنها به این اندازه بسنده کرد که بگوید: در آن نامه خشونت به کار رفته است!^{۴۸}

تأویل و توجیه معنای حدیث

از دیگر انواع پنهان‌کاری در مکتب خلفا، تأویل معنای روایت است؛ کاری که ذهبی و

۴۵. معالم المدرستین، ج ۲، ص ۲۴۲.

۴۶. همان، ج ۱، ص ۴۰۴.

۴۷. رک: تاریخ الامم والملوک، ج ۴، ص ۵۵۷.

۴۸. رک: البدایه والنهایه، ج ۷، ص ۳۱۴؛ معالم المدرستین، ج ۱، ص ۴۰۶.

ابن کثیر در تأویل نفرین پیامبر در حق معاویه انجام دادند؛ چنان که ذهبی پس از نقل حدیث «اللهم لا تشیع بطنه» می نویسد:

دور نیست که این حدیث منقبتی برای معاویه باشد! زیرا رسول خدا ﷺ فرمود: «بار خدایا، هرکسی را که من نفرین کردم یا دشنام دادم، لعن و نفرین مرا مایه پاکي و رحمت برای او قرار ده!».^{۴۹}

همچنین ابن کثیر چنین توجیه کرده است که معاویه روزانه هفت مرتبه غذا خورد و می گفت: «والله ما أشبع وإنما أعبأ» و این خود نعمتی است که هر پادشاهی آرزوی آن را دارد!^{۵۰}

حذف حدیث بدون اشاره به آن

یکی از اقسام پنهان کاری مکتب خلفا حذف تمام حدیث از سنت پیامبر ﷺ بدون اشاره به مورد حذف شده است؛ چنان که ابن هشام، صاحب کتاب *السيرة النبوية* انجام داده است. او که کتاب خود را از سیره ابن اسحاق به روایت بکایی گرفته است، درباره شیوه اش می نویسد:

من برخی از نوشته های ابن اسحاق را در این کتاب نیاوردم و از آوردن چیزهای که از مقام حدیث می کاهد و مردم گفتنش را دوست ندارند، خودداری نمودم!^{۵۱}

یکی از آن مواردی که وی از سیره ابن اسحاق حذف کرده است، خبر دعوت رسول خدا ﷺ از بنی عبدالمطلب، به هنگام نزول آیه «وانذر عشیرتک الاقربین» است که طبری آن را به سند خود از ابن اسحاق نقل کرده است. ابن هشام این خبر و اخبار بسیار دیگری را که به قول خودش مردم از شنیدن آنها ناراحت می شدند، حذف نمود. از این رو، سیره ابن اسحاق به دست فراموشی سپرده شد و همه نسخه های آن نایاب گردید و به جای آن سیره ابن هشام به شهرت رسید و از معتبرترین کتب سیره نزد مکتب خلفا گردید.^{۵۲}

دانش رجال

شناخت احوال راویان و رجال حدیث، یکی از مهم ترین مباحث دانش های حدیثی

۴۹. تذکرۃ الحفاظ، ج ۲، ص ۷۰۰.

۵۰. رک: البدایه و النهایه، ج ۸، ص ۱۱۹؛ معالم المدرستین، ج ۱، ص ۴۰۸.

۵۱. السیره النبویه، ج ۱، ص ۲.

۵۲. رک: معالم المدرستین، ج ۱، ص ۴۱۶.

است که از دیرباز تا کنون مورد توجه محدثان و حدیث پژوهان اسلامی بوده است. این موضوع در آثار علامه عسکری نیز جایگاه مهمی داشته، پیوسته گوشه‌ای از مباحثات ایشان را به خود اختصاص داده است؛ چنان که معرفی شخصیت «سیف بن عمر» - که در بازشناسی هویت «عبد الله بن سبا» و صد و پنجاه صحابی دیگر نقشی اساسی داشت - از مسائلی است که در کتاب *معالم المدرستین* مورد بازخوانی قرار گرفته است.

شخصیت شناسی سیف بن عمر

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای علامه عسکری در زمینه مطالعات رجالی، شناسایی شخصیت «سیف بن عمر» است. ایشان برای این منظور، ابتدا تمام روایاتی را که به سیف بن عمر ختم گردیده، گرد آورده و مورد بررسی دقیق سندی قرار دادند. سپس همه آنها، بویژه احادیثی که از بوته جرح و تعدیل به سلامت گذشتند، را مورد ارزیابی متنی قرار دادند که در این میان از معیار «موافقت با عقل» بهره‌افری بردند.^{۵۳} مقایسه روایات سیف در *تاریخ الطبری* با روایات دیگر مورخان اسلامی مانند بلاذی، واقدی و مدائنی روش دیگری بود که علامه عسکری برای نقد روایات سیف مورد استفاده قرار دادند و سرانجام به این نتیجه رسیدند که سیف بن عمر فردی و ضاع و دروغ پرداز بود که پیوسته به جعل و تحریف تاریخ اسلام می‌پرداخت و این حقیقتی است که رجالیون اهل سنت نیز بر آن صخه گذاشتند.^{۵۴}

سیف بن عمر و خلق راویان حدیث

علامه عسکری بر این باور بود که سیف بن عمر علاوه بر جعل احادیث، در خلق راویان و ناقلان خبر نیز ید طولایی داشت و بسیاری از راویانی که در مکتب خلفا به نقل اخبار تاریخی می‌پرداختند، ساخته ذهن سیف بن عمر بودند. ایشان در این باره می‌نویسد:

سیف بیش از یکصد و پنجاه صحابی برای رسول خدا ﷺ آفرید که ما حدود نود و سه تن از آنها را در کتاب *خمسون و مائه صحابی مختلف* آوردیم. او از این تعداد، بیست و نه نفر را از قبيله خودش (تمیم) آفریده و در عالم خیال برای هر يك آنها اخبار و داستان‌ها ساخته است. او تنها از «محمد بن سواد نویره» حدود ۲۱۶ روایت نقل کرده است. سیف همچنین سرایندگان را برای عرب، فرماندهانی را برای پارسیان و رومیان و سرزمین‌هایی را در کشورهای اسلامی و غیر اسلامی خلق کرد. او جنگ‌هایی در ارتداد و

۵۳. رک: عبد الله بن سبا و اساطیر اخری، ج ۱، ص ۲۳۷ - ۳۲۳ و ج ۲، ص ۴۰۷.

۵۴. رک: معالم المدرستین، ج ۱، ص ۴۳۶.

فتوح آفرید که هرگز اتفاق نیفتاد و از صدها هزار کشته در آن جنگ‌ها سخن گفت که اصلاً روی نداد.^{۵۵}

مهم‌ترین منبع روایات سیف

علامه عسکری در باره گسترهٔ جعلیات سیف بن عمرو و نیز مصادری که اخبار وی را نقل کرده‌اند، چنین اظهار داشته است که روایات ساختگی سیف در بیش از هفتاد مصدر از مصادر مهم اسلامی چون حدیث، تاریخ، ادب و غیره راه یافته است، اما کسی که بیش از دیگران و پیش از همه، به سیف ارادت ورزیده و اخبار و روایات او را در کتاب خود آورده، امام المورخین محمد بن جریر طبری است.^{۵۶}

علت اعتماد مکتب خلفا به روایات سیف

علامه پس از نقل نمونه‌هایی از داستان‌های ساختگی سیف و رواج آنها در کتب مهم تاریخی، به این سؤال پاسخ می‌دهد که چرا مؤلفان این کتاب‌ها با آن که داستان پردازی و خرافه‌گویی‌های سیف را می‌شناختند، بر او اعتماد کرده و به نقل و نشر روایاتش پرداختند. ایشان در این باره می‌نویسد:

پاسخی جز این نیست، مگر آن که بگوئیم سیف دروغ‌ها و بافته‌هایش را با نشر یک سلسله مناقب صحابه زینت داده است و دانشمندان مکتب خلفا نیز نهایت سعی خود را برای ترویج و اشاعه آنها به کار برده‌اند، در حالی که با تمام وجود می‌دانستند که همه روایت‌های سیف دروغ محض است!^{۵۷}

آسیب شناسی جوامع حدیثی شیعه

یکی دیگر از محورهای مباحثات علامه عسکری در کتاب *معالم المدرستین*، آسیب شناسی جوامع حدیثی شیعه است. ایشان با پرهیز از تعصب و یک جانبه اندیشی و نیز کنار گذاشتن پیش فرض‌های ذهنی، جوامع حدیثی شیعه را نیز مورد نقد و ارزیابی قرار داده، با شناسایی و معرفی خطاها و اشتباهات دخیل، احادیث معصومان علیهم‌السلام را از آسیب‌های راه یافته مصون داشتند. عمده‌ترین روشی که ایشان در بررسی احادیث شیعی به کار گرفته است، مقایسه متونی روایی و تطبیق احادیث یک منبع با مصادر روایی

۵۵. همان.

۵۶. همان، ج ۱، ص ۴۳۸.

۵۷. همان، ج ۱، ص ۴۳۹.

دیگر است.

رهیافت تصحیف و تحریف

از نظر علامه عسکری یکی از آسیب‌های جوامع حدیثی شیعه، تصحیف و تحریف است؛ پدیده‌ای که گریبان گیر نسخه برداران و کاتبان منابع حدیثی شده و حتی در مهم‌ترین کتاب حدیثی شیعه (*الکافی*) نیز راه پیدا کرده است؛ به عنوان مثال مرحوم کلینی به سندش از امام باقر علیه السلام، از جابر بن عبدالله انصاری چنین نقل می‌کند:

بر فاطمه علیها السلام وارد شدم، در برابر آن بانو لوحی بود که اسامی اوصیا از فرزندان بر آن ثبت شده بود. آنها را شمردم، دوازده تن بودند و آخرشان قائم علیه السلام، سه نفرشان محمد نام داشت و سه نفر هم علی.^{۵۸}

علامه عسکری در نقد این حدیث می‌نویسد: معنای این حدیث با چنین الفاظی چنین می‌شود که تعداد اوصیای پیامبر صلی الله علیه و آله سیزده نفرند؛ حضرت امیر علیه السلام با دوازده فرزندش از فاطمه زهرا علیها السلام، در حالی که شیخ صدوق همین حدیث را، بدون نقل از کتاب *الکافی*، در *عیون اخبار الرضا* با دو سند و در کتاب *اکمال الدین* با یک سند از محمد بن حسین آورده است که او از جابر چنین روایت می‌کند:

بر فاطمه علیها السلام وارد شدم، او در پیش روی خود لوحی داشت که اسامی اوصیا در آن نوشته شده بود. آنها را شماره کردم، تعدادشان دوازده نفر و آخرشان قائم علیه السلام بود، از آنها سه نفر محمد و چهار نفر علی نام داشت.^{۵۹}

نتیجه بررسی چنین می‌شود که در نسخه *الکافی* عبارت «من ولدها» زاید و «ثلاثة منهم علی» تحریف است، بلکه صحیح، الفاظ روایت شیخ صدوق است که «اربعة منهم علی» را قید کرده و «من ولدها» را هم ندارد.^{۶۰}

رهیافت احادیث مدرسه خلفا در کتب شیعی

یکی دیگر از آسیب‌هایی که متوجه جوامع حدیثی شیعه بوده است، رهیافت ناخواسته روایات مکتب خلفا در جوامع روایی مکتب اهل بیت علیهم السلام است. این مسأله در باور علامه عسکری، معلول این واقعیت است که بعضی از عالمان شیعه دقت نظر و توجهی که

۵۸. *الکافی*، ج ۱، ص ۵۳۲.

۵۹. *عیون اخبار الرضا*، ج ۱، ص ۴۶.

۶۰. *معالم المدرستین*، ج ۳، ص ۳۲۹.

نسبت به روایات فقهی مبذول می‌نموده‌اند، نسبت به روایات غیر فقهی نداشتند. ایشان بر این نکته تأکید می‌ورزد که دانشمندان مکتب اهل بیت علیهم‌السلام در احادیث سیره، بر خلاف احادیث فقهی، هیچ‌گونه بحث و نظر حوزوی نکرده‌اند؛ خواه سیره پیامبران گذشته باشد، یا سیره پیامبر خاتم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم و یا ائمه معصوم علیهم‌السلام. آنان در این قبیل مباحث بر راوی و روایاتی تکیه کرده‌اند که در مباحث فقهی به آنها اعتنایی نداشتند، بلکه بر عکس، آنها را به دور افکنده، از درجه اعتبار ساقط دانسته‌اند. از این رو، در این گونه مباحث بیشتر از احادیث مکتب خلفا نقل کرده‌اند که خلاف واقع بوده، مورد ایراد و خرده‌گیری است؛ بدون این که ناقد بدانند که این ایراد و خرده متوجه روایات مکتب خلفاست؛ نه روایات مکتب اهل بیت علیهم‌السلام.^{۶۱}

ب) روش شناسی حدیث پژوهی علامه عسکری

نوآوری و ایده‌پردازی در مطالعات حدیثی، مبتنی بر پژوهشی سنجیده و روشمند است؛ پژوهشی که در تمام مراحل، سیر ثابت و مشخصی را دنبال کند و از سبک و اسلوبی معین پیروی نماید و این خصیصه‌ای است که علامه عسکری در مطالعات حدیثی خود از آن بهره می‌جست. البته او به صراحت از راه و روش بحثش یاد نکرده و به معرفی آنها پرداخته است، بلکه به صورت عملی و در لابه لای آثارش آنها را به نیکی به کار بسته است. از این رو، شایسته است تا با گوشه‌ای از ویژگی‌های علمی ایشان در حدیث پژوهی آشنا شویم؛ نکاتی که مطمئناً راه گشای محققان و پژوهندگان جوان خواهد بود.

تأکید بر نقل از منابع معتبر اهل سنت

یکی از خصیصه‌های علامه عسکری در حدیث پژوهی، تأکید بر نقل از مصادر مهم و دست اول اهل سنت است؛ منابعی که مورد قبول اندیشمندان عامه بوده و نزد آنان اعتبار داشته است. این ویژگی بدین خاطر است که علامه در بیشتر آثار خود به دفاع از مبانی و باورهای شیعه پرداخته است. از این رو، سعی ایشان بر این بود که ادله خود را از میان نگاشته‌های مخالفین گرد آورد؛ چنان که از میان ۲۵۰۰ مصدري که در کتاب *معالم المدرستین* مورد استفاده قرار گرفته است، تنها پنج درصد آن از منابع شیعی بوده است.

۶۱. همان، ج ۳، ص ۳۵۷.

گستره منابع مورد استناد در هر موضوع

با نگاهی گذرا به آثار علامه عسکری می‌توان فهمید که ایشان در نگاشته‌های خود جست و جوی گسترده‌ای به عمل آورده، از منابع و مصادر فراوانی استفاده کرده است. کتب لغت و ادب، مصادر تاریخ، انساب و رجال و کتاب‌های روایی و تفسیری از جمله منابع مورد استفاده عسکری در پژوهش‌های حدیثی بوده است. ایشان هنگام بررسی و طرح یک مسأله، با دقت منابع مورد استناد خود را شناسایی و سپس با ذکر مشخصات کتابشناختی آنها را معرفی می‌کرد. فراوانی استفاده علامه از منابع و مآخذ روایی به قدری است که گاه برای اثبات یک ادعا و یا تأیید یک موضوع به هیچ‌کدام کتاب استناد کرده‌اند.^{۶۲} این نکته به ظاهر ساده، هنگامی اهمیت می‌یابد که در نظریات ویریم که در زمان نگارش این آثار، استفاده از امکانات پیشرفته امروزی مانند رایانه و اینترنت چندان مقدور نبوده است و این، نشان از کثرت تتبع و گستره اطلاع ایشان از مصادر و مآخذ فرقی دارد.

ارائه اطلاعات مفید در باره شخصیت‌ها

یکی دیگر از ویژگی‌های علامه عسکری، ارائه اطلاعات تکمیلی و مفید در باره شخصیت‌هایی است که در جریان بحث از آنها نام برده شده و یا در باره‌شان اظهار نظر کرده است. این توضیحات - که بیشتر در پاورقی آورده شده است - شامل مشخصات خانوادگی، تاریخ تولد و وفات، ویژگی‌های بارز و نکات برجسته‌ای است که با استناد به مصادر مادر و معتبر تاریخی ارائه گردیده است؛ به عنوان مثال ایشان در ذیل نام «عبد الله بن عمر» می‌نویسد:

عبدالله بن عمر بن خطاب، مادرش زینب، دختر مظعون است. رسول خدا ﷺ او را به علت کمی سن از شرکت در جنگ احد بازداشت، ولی در بقیه جنگ‌های آن حضرت شرکت داشت. از عبدالله روایات بسیاری در تعریف و ستایش خود و پدرش نقل کرده‌اند. او به مدت شصت سال بعد از پیغمبر و در موارد مختلف فتوا داده است. می‌گویند: او مردی خوش سخن بود، ولی فقیهی قابل نبود. در هیچ‌یک از جنگ‌های امیرالمومنین علیه السلام شرکت نکرد، ولی به هنگام مرگ اظهار پشیمانی می‌کرد و می‌گفت: از گذشته خود پشیمان نیستم، مگر این که به همراه علی بن ابی طالب با فئه باغیه

۶۲. همان، ج ۳، ص ۳۴.

(اصحاب صفین) نجنگیدم. آورده‌اند که حجاج بن یوسف مردی را مأمور کرد تا در ازدحام جمعیت، نیزه زهر آگین خود را در پشت پای او فرو کند و او را مسموم و بکشد. سال مرگش ۷۳ هجری است. نویسندگان صحاح ۲۶۳۰ حدیث از او روایت کرده‌اند! شرح حالش در *اسد الغابه*، *سیر اعلام النبلاء* و *جوامع السیره* آمده است.^{۶۳}

بر اساس تتبع صورت گرفته، علامه در کتاب *معالم المدرستین* نزدیک به هفتاد شخصیت را معرفی کرده و در باره آنها سخن گفته است و این، غیر از مواردی است که ایشان به صورت مختصر و با ارجاع به مصادر ترجمه از آنان یاد کرده است.^{۶۴}

بررسی دقیق واژگان و مفردات

از دیگر امتیازات علامه عسکری در مطالعات حدیث پژوهی، بررسی و تحلیل واژگان قرآنی، روایی است. ایشان به هنگام بررسی مستندات و ادله یک مسأله، ابتدا واژگان کلیدی و مهم آن را، با استناد به کتب معتبر ادب عربی، ریشه‌یابی و معنا کرده و سپس به نقد و بررسی آن می‌پردازد. علامه گاه در تفسیر یک واژه قرآنی یا حدیثی، تغییراتی را که در طول زمان در معنای آن ایجاد شده، بیان می‌نماید و سپس خطایی را که از این طریق در تحلیل نظریه پردازان راه یافته نشان می‌دهد. ایشان در برخی موارد برای روشن شدن ابعاد پژوهش، واکاوی معنای لغت را تا قبل از دوره اسلام نیز پیش می‌برد و سیر تحولات آن در جامعه جاهلیت را نیز گزارش می‌کند؛ برای نمونه، ایشان در تفسیر واژه «غنیمت»، تحولات پدید آمده در معنای این کلمه را متذکر شده و می‌نویسد:

معنای واژه غنیمت و مغنم پس از سپری شدن دوران جاهلیت، دو نوبت مورد دگرگونی قرار گرفت: يك بار در شریعت اسلامی و بار دیگر به وسیله متشرعین، تا جایی که این دو لفظ از لحاظ معنی و مفهوم با واژه‌های سلب و نهب و حرب یکی شدند. عرب در جاهلیت و اسلام هرگاه چیزی را بدون زحمت و مشقت به دست می‌آورد، به آن غنیمت و مغنم می‌گفت، اما آنچه را که در جنگ با زحمت و مشقت به دست می‌آورد، سلب می‌نامید. نخستین باری که واژه غنم به عنوان کسب مطلق مال استعمال گردید، در قرآن و در سوره انفال بود.^{۶۵}

۶۳. همان، ج ۱، ص ۱۹۵.

۶۴. برخی دیگر از اشخاصی که علامه عسکری در باره آنان توضیح داده است، عبارت‌اند از: مقداد بن اسود، سعد بن ابی وقاص، عبد الله بن مسعود، حجر بن عدی، تمیم داری و کعب الاحبار (رک: همان، ج ۱، ص ۱۶۱ و ۱۶۴ و ج ۲، ص ۴۸ و ۵۲).

۶۵. همان، ج ۲، ص ۱۷۷.

تعریف و تبیین مفاهیم و اصطلاحات خاص

ارائه تعریفی شایسته از مفاهیم و اصطلاحات، از جمله ویژگی‌های حدیث پژوهی علامه عسکری است که در کتاب *معالم المدرستین* نمود و ظهور بیشتری دارد؛ چرا که ایشان بر این باور بود که فهم درست و دقیقِ باورهای یک مکتب، با فهم صحیح اصطلاحات و مفاهیمی که در لسان ادله آن مکتب به کار رفته پیوندی نزدیک دارد. از این رو، در غالب مباحث، بخشی را به بررسی اصطلاحات خاص و مرتبط اختصاص می‌داد؛ در مثل، هنگام بحث از دیدگاه مکتب شیعه و اهل سنت در باره «صحابه»، ابتدا به تعریف دو مکتب از این اصطلاح پرداخته و سپس آن را مورد نقد و بررسی قرار دادند.^{۶۶}

استناد به دیدگاه عالمان اهل سنت

و بالاخره از خصوصیات علامه عسکری در پژوهش‌های حدیثی، استناد به دیدگاه‌ها و نظریات عالمان اهل سنت است. ایشان به جهت آن که در بیشتر آثار خود با مخاطبانی مواجه بود که مفروضات شیعه را قبول نداشتند، به مقبولات حریف ارجاع داده و از اندیشه صاحب نظرانشان برای تأیید مبانی شیعه و یا تضعیف روایات آنها بهره می‌گرفت؛ به عنوان مثال در بحث تحریم متعه نکاح، علامه در بررسی حدیث منسوب به امام علی علیه السلام که خطاب به ابن عباس فرمود:

تو مردی حیران و سرگردانی، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در جنگ خیبر از ازدواج موقت و خوردن گوشت درازگوش اهلی نهی کرده است.^{۶۷}

از دیدگاه برخی عالمان اهل سنت - که همسو با مبانی شیعه سخن رانده‌اند - یاری جسته و این روایت را مورد نقد قرار دادند:

ابن قیم در فصلی که در کتاب *زاد المعاد* در باره زمان تحریم متعه گشوده، می‌نویسد: در داستان خیبر، نه یکی از اصحاب با بانویی یهودی عقد ازدواج موقت بست و نه در این مورد از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله کسب اجازه نمود و نه کسی چنین موضوعی را در این جنگ گزارش کرد.^{۶۸}

همچنین ابن حجر عسقلانی در شرح این حدیث به نقل از سهیلی می‌نویسد:

۶۶. همان، ج ۱، ص ۱۱۸.

۶۷. *الجامع الصحیح*، ج ۴، ص ۱۳۴؛ *السنن* (نسایی)، ج ۶، ص ۱۲۶.

۶۸. *زاد المعاد فی هدی خیر العباد*، ج ۳، ص ۴۰۳.

اشکال دیگری که متوجه این حدیث است، موضوع نهی از ازدواج موقت در جنگ خیر است؛ زیرا این چیزی است که هیچ‌یک از ارباب سیر و اخبار آن را نیاورده و از آن اطلاعی ندارند.^{۶۹}

نتیجه

۱. علامه عسکری به عنوان یک پژوهشگر حدیث شناس، دارای مبانی و آرای حدیثی در خور توجهی است که آنها را در گستره آثار و تألیفاتش به کار گرفته و در قالب دانش‌های مختلف حدیثی ارائه نموده است.
۲. کتاب *معالم المدرستین* یکی از آثار برجسته علامه عسکری است که به جهت اشمال بر نقد و تحلیل فراوان احادیث، در مطالعات حدیثی معاصر جایگاه قابل تأمل و توجهی دارد.
۳. عرضه بر کتاب و سنت، عدم انطباق با واقعیات تاریخی و نیز توجه به ملاک‌های سند شناسی از جمله مبانی علامه در زمینه نقد حدیث است که در این میان، معیارهای درون متنی مورد عنایت بیشتری بوده است.
۴. توجه به ناسازگاری احادیث و نیز تناقض‌های درون متنی از جمله معیارهای علامه عسکری در شناسایی احادیث موضوع بوده است که بیشتر در نقد احادیث مکتب خلفا به کار گرفته شده است.
۵. علامه عسکری در پژوهش‌های حدیثی خود، از روشی مستدل و سنجیده پیروی می‌نمود که تأکید بر مصادر اهل سنت، استفاده فراوان از منابع معتبر، بررسی واژگان و اصطلاحات مهم و نیز استناد به دیدگاه اندیشمندان اهل سنت از جمله ویژگی‌های علمی ایشان در حدیث پژوهی به شمار می‌رود.

کتابنامه

- *البدایه والنهایه*، اسماعیل بن کثیر، بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۷ ق.
- *تاریخ الامم والملوک*، محمد بن جریر طبری، بیروت: دار التراث، ۱۳۸۷ ق.
- *تاریخ حدیث شیعہ*، سید محمد کاظم، طباطبایی، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۸ ش.
- *تدریب الراوی*، جلال الدین سیوطی، المدینه: المکتبه العلمیه، ۱۳۹۲ ق.

۶۹. فتح الباری فی شرح صحیح البخاری، ج ۹، ص ۱۴۵؛ معالم المدرستین، ج ۲، ص ۲۷۸.

- تدوین السنه الشریفه، سید محمد رضا حسینی جلالی، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۸ق.
- تذکره الحفاظ، محمد بن احمد ذهبی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، [بی تا].
- تهذیب التهذیب، احمد بن علی بن حجر عسقلانی، بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۴ق.
- الجامع الصحیح، مسلم بن حجاج قشیری، بیروت: دار الفکر، [بی تا].
- دراسات فی الحدیث والمحدثین، هاشم معروف حسنی، بیروت: دار التعارف، [بی تا].
- دراسات فی الفرق القرآنیه وشبهاتهم حول السنه، خادم حسین الهی بخش، طائف: مکتبه الصدیق، ۱۴۰۹ق.
- دلائل التوثیق المبکر للسنه والحدیث، امتیاز احمد، ترجمه عربی: عبد المعطی امین قلجی، پاکستان: ۱۹۹۰م.
- رابطۀ متقابل کتاب و سنت، علی نصیری، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۶ش.
- زاد المعاد فی هدی خیر العباد، ابن قیم محمد بن ابی بکر، [بی جا]، [بی نا]، [بی تا].
- السنه النبویه فی کتابات اعداء الاسلام مناقشتها والرد علیها، عماد سید شربینی، منصوره: دار الیقین، ۱۴۲۳ق.
- السنن الکبری، احمد بن حسین بیهقی، حیدرآباد: مجلس دائره المعارف النظامیه، ۱۳۴۴ق.
- السنن، ابن ماجه محمد بن یزید قزوینی، تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقی، بیروت: دار الفکر، [بی تا].
- السنن، ابوداود سلیمان بن اشعث، تحقیق: سید محمد اللحام، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۰ق.
- السنن، احمد بن شعیب نسائی، بیروت: دار الفکر، ۱۳۴۸ق.
- السنن، عبد الله بن بهرام دارمی، دمشق: مطبعه الاعتدال، ۱۳۴۹ق.
- السنن، محمد بن عیسی ترمذی، تحقیق عبد الوهاب عبد اللطیف، بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۳ق.
- السیره النبویه، محمد بن اسحاق بن هشام، القاهره: مکتبه محمد علی صبیح و اولاده، ۱۳۸۳ق.
- الصحیح من سیره النبی الاعظم، جعفر مرتضی عاملی، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۲ق.
- عبد الله بن سبا واساطیر اخری، سید مرتضی عسکری، ششم، تهران: نشر توحید، ۱۴۱۳ق.

- علامه عسکری پژوهشگر حدیث، حسین صبوحي، اراک: انجمن علمی فرهنگی هنری استان مرکزی، ۱۳۸۶ ش.
- عیون اخبار الرضا، شیخ صدوق محمد بن علی بن بابویه، قم: انتشارات جهان، ۱۳۷۸ ق.
- فتح الباری فی شرح صحیح البخاری، احمد بن علی بن حجر عسقلانی، بیروت: دارالمعرفه، [بی تا].
- الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ ش.
- مجمع الزوائد و منبع الفوائد، علی بن ابی بکر هيثمی، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ ق.
- المحاسن، احمد بن محمد بن خالد برقی، قم: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ق.
- المستدرک علی الصحیحین، محمد بن عبد الله نیشابوری، بیروت: دارالمعرفه، [بی تا].
- المسند، احمد بن محمد بن حنبل، بیروت: دارصادر، [بی تا].
- المصنف، عبد الرزاق بن همام صنعانی، تحقیق حبیب الرحمن الاعظمی، بیروت: المکتب الاسلامی، ۱۴۰۳ ق.
- معالم المدرستین، سید مرتضی عسکری، چهارم، تهران: مرکز الطباعه و النشر فی المؤسسه البعثه، ۱۴۱۲ ق.
- مقدمه ای بر تاریخ تدوین حدیث، رسول جعفریان، قم: انتشارات فؤاد، ۱۳۶۸ ش.
- منع تدوین الحدیث، سید علی شهرستانی، قم: مؤسسه الامام علی، ۱۴۱۸ ق.
- «الاسلام هو القرآن وحده»، محمد توفیق صدقی، نشریه المنار.
- «تاریخ صدور حدیث»، مهدی مهریزی، فصلنامه علوم حدیث، شماره ۴، ۱۳۷۶ ش.
- «تدوین حدیث (۲)»، محمد علی مهدوی راد، فصلنامه علوم حدیث، شماره ۲، ۱۳۷۵ ش.
- «تدوین حدیث (۷)»، محمد علی مهدوی راد، فصلنامه علوم حدیث، شماره ۸، ۱۳۷۷ ش.
- «نقش اطلاعات تاریخی در شناخت حدیث»، علی حسن بیگی، نشریه مشکاه، شماره ۹۱، ۱۳۸۵ ش.